

نقش معلمان در تربیت فرهنگی واجتماعی دانش آموزان

نعیمه رنجبر

کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پردیس شهید باهنر کرمان

زهرا نورزاده یزدی

کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران

الهه جوشایی

کارشناسی ریاضی، دانشگاه پیام نور بم

چکیده

معلم باغبان فطرت انسان است. فطرتی که با فطرت الهی سرشته شده است در میان موجودات عالم تنها انسان است که می تواند راه کمال را بیپیماید و صفت حضرت حق را در خود متجلی سازد نه ملائک را چنین استعدادی است و نه موجودات دیگر می توانند به چنین مقامی برسند. سیر این عظمت روحی در این است که در فطرت او بذرهای رشد و اعتلا نهاده شده و آدمی را مستعد تقرب حق تعالی نموده است اگر فضای زندگی سالم باشد و عطر دل انگیز ارزشهای الهی و انسانی به مشام او برسد و اگر بندگی خدا مشی زندگی او باشد. این بذرها رشد می کنند، سربر می آورند و گلستان فطرت را با همه زیباییهایش به نمایش می گذارند. چه کسی می تواند باغبان شایسته این گلستان باشد؟ آنکه بتواند استعدادهای نهفته را از قوه به فعل آورد کیست؟ مربی اصلی خداست. زیرا که رب همه هستی اوست. ولی آیا نه این است که خداوند (با) وسایل و اسباب امور جهان را اداره می کند؟ انبیای عظام برای چه هدفی مبعوث شده اند؟ اگر امکان تربیت برای آدمی نبود چه بسا که بعثت انبیاء به وقوع نمی پیوست آنان برای این برانگیخته شده اند که پیوند فطری انسان با خدا را به یاد او آورند و با مبارزه با عوامل انحطاط و دشمنان فطرت، زمینه رشد و کمال انسان را فراهم سازند. معلم شریک نبی است. نبی ای که امت او شاگردان اوست و محل دریافت وحی کلاس درس او. او به راستی یک پیغمبر است نه به این معنا که بر او نیز جبرئیل نازل می شود و پیام خدا را می آورد بلکه به این معنا که آنچه نبی می کند معلم همان را انجام می دهد رسالت بیدارسازی آدمیان و دمیدن آگاهی به جانهای ناآگاه و مأموریت پرورش گلهای فطرت.

اگر معلم خود را یک نبی نداند و عاشق عروج و کمال دانش آموزان نباشد جنبه معلمی ندارد یا باید به خود آید و به بازسازی نگرش و رفتار خود بپردازد یا باید معلمی را ترک کند و پیشه دیگری اختیار نماید به همین دلیل معلم را فردی می دانیم که شخصیت وی با همگان متفاوت است زیرا کسی جز او داعیه آدم سازی ندارد اوست که جان و دل نونهالان را در اختیار دارد و هر آنچه را بخواهد اعمال می کند البته منظور این نیست که انسان موجود بی اراده ای است بلکه نظر این است که در کودکی و نوجوانی هنوز اراده آدمی قوت لازم را نیافته و اراده معلم می تواند بر آن تأثیر بگذارد و آن را به طریق مطلوب سوق دهد. اگر معلم با داشتن چنین رسالت عظیم معلمی را بشناسد و آگاه به وظایف خود نباشد خطای بزرگی مرتکب نشده است؟ معلم ناآگاه شخصیت شاگرد را ویران می سازد و روان و عاطفه او را خراب می کند تخریبی که گرد و غبار آن مکتوم است و صدای ریزش دیوارهای بنای فطرت بعداً به گوش خواهد رسید البته آنانی که گوش شنوا دارند این صدای غم انگیز را می شنوند. آری معلم هم می تواند آدم بسازد و هم آدمبیت را ویران سازد.

واژگان کلیدی: معلمان، تربیت، دانش آموزان، فرهنگی واجتماعی

مقدمه

فعالیت های فوق برنامه و تربیتی- اجتماعی، مجموعه ای از تجربه ها، فعالیت ها و فرصت هایی است که در مدرسه و خارج از آن به منظور رفع نارسایی برنامه درسی رسمی، برای غنی سازی و تعمیق یادگیری و کمک به دانش آموزان در رشد و پرورش توانایی ها و قابلیت های خاص و آماده کردن آنان برای ایفای تکالیف و مسئولیت های شهروندی پیش بینی و اجرا می شوند. این فعالیت ها بیش از هر عامل دیگری از میزان علاقه، تجربه و قدرت ابتکار معلم، مربی و دانش آموز متاثر می شوند. آموزش پرورش در هر جامعه یکی از نهادهای تأثیرگذاری است که انتظار می رود به طور متوازن و متعادل به جنبه های مختلف وجودی انسان توجه داشته و زمینه ها و اسباب لازم را برای رشد همه جانبه دانش آموزان فراهم سازد؛ لذا ایجاد زمینه های مساعد برای رشد و بالندگی افراد در مسیر طبیعی و متناسب با خواسته ها، نیازها و علایق آنها از اولویت های اساسی و اصول پذیرفته شده نظام آموزش پرورش می باشد. توجه و دقت کلام امیرمومنان علی (ع) که فرمودند: «فقدان ادب سبب هر شر و بدی است.» اهمیت و ضرورت فعالیت های تربیتی و اجتماعی مشخص می سازد که تربیت صحیح با داشتن ویژگی های بسیار ارزشمند، ارزش تعلیم را نیز بالاتر از آن که هست می برد اجرای فعالیت های تربیتی و اجتماعی یک ضرورت اجتنابناپذیر در زندگی اجتماعی انسان است. آدمی برای ادامه حیات انسانی و نیل به کمال لایق خود ناگزیر است با دیگران تعامل و مشارکت داشته و عضو جامعه بشری باشد و در فعالیت های اجتماعی با آنان همکاری نماید و برنامه هماهنگی فرد با اجتماع از طریق اجرای فعالیت های تربیتی- اجتماعی میسر گردد. در این زمینه پژوهش های مختلفی انجام گرفته است از جمله کربلایی پازوکی (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان «روش های تربیت اجتماعی از منظر ملامحسن فیض کاشانی (ره)»، بیان می کند که تربیت یافتگی اجتماعی انسان سبب غلبه فرد بر خود محوری در زمینه های معرفتی، ارتباطی و عاطفی می شود؛ یعنی انسانها حال و وضع، شناخت، اطلاعات، علایق و رفتار خود را ملاک و معیار قضاوت قرار نمی دهد بلکه سعادت خود را در سعادت دیگران جستجو می کند و همین امر سبب بسط و گسترش سعادت اجتماعی می شود.

بدین جهت آگاهی معلمان و مربیان و کلیه عوامل تربیتی با دانش فعالیت های تربیتی - اجتماعی، امری ضروری و طبیعی می باشد و بدیهی است که در این مسیر معلم و مربی موفق خواهند شد که هنر مربیگری و معلمی خود را با اصول و مبانی روانشناسی و فعالیت های فوق برنامه تلفیق نموده، در جهت تربیت موضوع فعالیت خود یعنی دانش آموزان، آنها را به کار گیرند؛ اما با توجه به هویت و تربیت اجتماعی سؤال اصلی این پژوهش آن است که آیا معلمان در اجتماعی کردن فراگیران تأثیر دارند؟ (سلجوقی، ۱۳۹۲: ۱۴)

روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی از نوع مروری است که به شیوه ی کتابخانه ای و با استفاده از منابع پیشین و با ابزار فیش برداری، از طریق تحلیل منابع مرتبط در این زمینه شامل کتاب، مقالات مرتبط موجود در کتابخانه و بانک های اطلاعاتی مدارک و اسناد کتابخانه ای و تحلیل منابع و مقالات پژوهشی گردآوری شده است.

بحث تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.

مفهوم تربیت اجتماعی از دیدگاه جامعه شناسی قبل از بررسی مفهوم تربیت اجتماعی لازم است یادآور شویم که سه دیدگاه موجود فردگرایان، جامعه گرایان و دیدگاه اسلامی در مورد اهمیت و الویت فرد یا جامعه، نقش اساسی در تربیت اجتماعی و تعریف آن ایفا می کند. براساس دیدگاه جامعه گرا، اجتماعی شدن به معنی همنوایی فرد با ارزشها و هنجارها، برای هماهنگی و سازگاری با افراد دیگر جامعه است، پس هویت افراد در جامعه شکل می گیرد و بر همین مبنا، تربیت اجتماعی به معنای سازگار شدن افراد جامعه با معیارهای خاص آن جامعه است تا بتوانند در فعالیتهای اجتماعی شرکت کنند. دیدگاه فردگرا، بر آن است که اجتماعی بودن انسان امری ثانوی است و عارض بر او می باشد و از این رو، آدمی در بستر جامعه به ارضای نیازهای خود می پردازد، اما آنچه اولویت دارد فرد است، لذا تربیت اجتماعی نیز به مفهوم مهیا نمودن افراد جامعه است تا بتوانند دیگران را به صورت مفید و سنجیده کنترل کنند. از جمع بندی تعاریف جامعه شناسان در باب تربیت اجتماعی می توان گفت تربیت اجتماعی، جریانی است که طی آن نظام تربیتی حاکم بر جامعه هنجارها، مهارتها، الگوها، انگیزهها، شیوههای رفتاری، قواعد مورد نیاز افراد جامعه و روابط هر فرد را شکل می دهد تا افراد بتوانند براساس آموخته های خود، ایفای نقش نمایند. (افخمی اردکانی، ۱۳۹۰)

اهمیت تربیت از لحاظ روابط اجتماعی بسیارند افراد متخصص که مهارت و دانش خود را در راههای غیرانسانی و تنها به خاطر منافع شخصی مورد استفاده قرار می دهند و با این عمل خود تیشه به ریشه افراد اجتماع می زنند و موجبات نابسامانی های فراوانی را در روابط انسانی فراهم می سازند. حسادت، بخل، ریا، تزویر، بدبینی و حيله گری که از رذایل اخلاقی به حساب می آیند رواج می یابند و در نتیجه آرامش و امنیت خاطر از مردم سلب می شود و مردم نسبت به یکدیگر بدبین می شوند؛ بنابراین برای یک زندگی سالم انسانی که با انس، تعلق، صمیمیت و اعتماد همراه باشد چه باید کرد؟

جواب سؤال این است که داشتن تخصص ها، مهارتها و کاردانی ها شرط لازم است نه شرط کافی؛ به عبارت دیگر مهم داشتن تخصص و مهارت نیست، مهم آن است که مردم با هم چه روابطی داشته باشند. تنها رابطه انسانی سالم است که به ما نشاط، شادی و سلامت روان می بخشد. افراد یک جامعه باید بدانند که سلامت روحی و روانی آنها تنها بستگی به سلامت ارتباط آنها با یکدیگر دارد.

نوع دوستی، احترام، صداقت، مسئولیت، همدلی و رعایت حقوق انسانها در جمیع جهات می توانند روابط انسانی را تعالی بخشدند و خصایل و ملکات مذکور مسلما موجبات رفاه اجتماعی را فراهم خواهند ساخت. می باید دانست که این مهم تنها از طریق تربیت صحیح به افراد یک جامعه ممکن و میسر می گردد و سلامت جامعه را تضمین و بیمه می کند. (نیکزاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱)

اهمیت تربیت اجتماعی از دیدگاه اسلام پیش از آن که نظر اسلام را درباره صفات اجتماعی بیان کنیم باید دید نظر اسلام درباره صفات اجتماعی چیست:

اسلام رهبانیت و فرار از اجتماع را محکوم کرده و به زندگی در اجتماع اهتمام فراوان داشته است و اصولا اجتماع مسلمانان را همانند تن واح دی قلمداد کرده هرگاه عضوی به درد آید سایر اعضا به کمک ویاری آن عضو می شتابند، عبادات اجتماعی را ارزش فراوانتری قائل شده است مانند نماز جماعت و نماز جمعه و حج را اهمیت بیشتری داده است و اصولا در حدیثی مسلمان بودن شخص مشروط به اهتمام در امور مسلمانان دانسته شده است. از رسول اکرم در اصول کافی چنین نقل شده است: «آنانکه در فکر سایر مسلمانان نباشند اصولا مسلمان واقعی نخواهند بود.» (رشیدپور، ۱۳۷۰: ۷۷)

علامه طباطبایی (ره) می نویسد: «اسلام با صراحت پایه بنای دعوت خود را بر اجتماع گذاشته و در هیچ یک از شئون خود امر اجتماع را به اهمال واگذار نکرده است.» از جمله وظایف آموزش و پرورش، تربیت اجتماعی متربیان می باشد و مربیان عزیز باید به تربیت اجتماعی اهمیت دهند و آن را از جمله وظایف خطیر خود شمارند تا از این طریق فرد و اجتماع با وحدت و

هماهنگی خاصی در راه تحقق بخشیدن به اهداف الهی گام بر دارند و در این مسیر نیز بین اهداف فرد و اجتماع اختلافی پدید نیاید و از آنجا که فرد در جریان برخورد با اجتماع از آن اثر می‌پذیرد، اسلام بسیاری از اعمال و قوانین دینی را به صورتی دسته جمعی ارائه می‌نماید و اموری مانند نماز جماعت، حج و جهاد، خود نشان‌دهنده اهمیت اجتماع در تربیت می‌باشد و از طرفی لزوم تربیت اجتماعی انسان را روشن می‌نماید. (سلجوقی، ۱۳۹۲: ۷۵)

روش تربیت اجتماعی پدران و مادران باید به تدریج در محیط خانه روحیات اجتماعی را در کودکان پرورش دهند. پس از محیط خانه مدرسه وظیفه دشواری در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان برعهده دارد. به عقیده یکی از دانشمندان تربیتی، مدرسه نباید از جامعه دور باشد. شاگرد یکی از افراد جامعه است، مدرسه باید جدیت و کوشش کند که استعداد هر فرد را استخراج نموده با راهنمای مؤثر از قوایی که خداوند در نهادش به ودیعه گذارده است حداکثر استفاده از وی به عمل آید و او را فرد ارزنده و مفید اجتماعی به جامعه تحویل دهد؛ بنابراین وظیفه اساسی معلمان و مربیان مدرسه این نیست که دانش‌آموزان را تنها به گوش دادن وادار سازد و مغز آنان را از معلومات پارسازند بلکه برعکس باید برای آنها محیطی در خور زندگی بوجود آورده اصول اجتماعی را به آنها تعلیم دهند (رشیدپور، ۱۳۷۰: ۷۳).

فعالیت‌های تربیتی در مدارس دانشوران اجتماعی معتقدند که از طریق فعالیت‌های تربیتی و هنری می‌توان دانش‌آموزان را به زندگی سالم اجتماعی عادت داده و احساسات دقیق و تمایلات ظریفی که در نهاد هر انسان قرار دارد برانگیخته و آن را تلطیف کرد بنابراین معلم با استفاده از فعالیت‌ها می‌تواند بعضی از مفاهیم اجتماعی و درسی را به آنها یاد داده و در اجتماعی کردن فراگیران نقش به سزایی داشته باشد:

بازی کودکان از آغاز زندگی، یادگیری از طریق بازی و فعالیت را دوست دارند. اغلب پیشوایان دین اسلام زندگی کودکان را تا هفت سالگی در بازی خلاصه کرده‌اند؛ زیرا بازی یکی از عوامل بسیار مهم اجتماعی شدن کودک است. برای کودک بتواند در گروه زندگی کند، لازم است اصول زیادی را رعایت نماید. هر بازی دارای اصول و مقرراتی است و هر بازیکن برای این که موفق شود، باید آن مقررات را رعایت نماید. این مقررات شبیه مقررات جامعه‌ای خواهد بود که کودک به تدریج باید آنها را بیاموزد. کودک در ضمن بازی مسئولیت قبول می‌کند، با دیگران همکاری می‌نماید، قدرت رهبری و مدیریت از خود نشان می‌دهد، به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند و برای هدف مشترکی می‌کوشد. کودک اکثر موارد فوق را از طریق بازی می‌آموزد.

نمایش و تئاتر به عنوان مثال برخی از قسمت‌های کتابهای تعلیمات اجتماعی مانند مطالب تاریخی و مذهبی، وقایع مختلف جاری و گذشته کشور و آشنایی با شخصیت‌های مختلف را می‌توان به صورت نمایشنامه تنظیم کرد و اجرای آن را به عهده دانش‌آموزان گذاشت. البته در کلاسهای ابتدایی به گریم و دکور لباس اهمیت زیادی نمی‌دهند، مهم اجرای نقشه و نتیجه‌گیری از نمایش است. اجرای نمایش نه تنها به یادگیری موضوعات مختلف اجتماعی منجر می‌شود بلکه باعث می‌شود ذوق هنری دانش‌آموزان تقویت شود و قدرت بیان و اعتماد به نفس در آنها افزایش یابد.

سرود سرودهای گوناگونی که در موقعیت‌های مختلف در مراسم مذهبی و سیاسی برای تمجید از شخصیت‌های محبوب و یا در بزرگداشت یاد شهید و پیشوایان مذهبی خوانده می‌شود. علاقه و شور شوق نسبت به آنان را در دانش‌آموزان ایجاد کرده و باعث خواهد شد که دانش‌آموزان با راه و روش ایثار و فداکاری آنان آشنا گردند و اخلاق و رفتار آنان را برای خود الگو قرار دهند. دعوت از مطلعین معلم با ایجاد رابطه‌ی خوب با پدران و مادران کودکان، از تخصص‌ها و امکانات آنها در موقع لزوم می‌توانند استفاده کنند. آنان را می‌توان به کلاس درسی دعوت کرد و اطلاعاتی در زمینه مورد نظر در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. پس از پایان صحبت‌های مهمان، معلم و شاگردان پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و جواب پرسش‌ها را از فرد دعوت شده دریافت می‌دارند و به این ترتیب سطح دانش کلاس افزایش پیدا می‌کند (ساعی‌ارسی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

تربیت اجتماعی از کجا باید شروع شود؟

همان طوری که زمینه های اخلاقی و دینی توسط پدر و مادر در محیطی پی‌ریزی می‌گردد، تربیت اجتماعی هم از آغاز کودکی باید در محیط خانه به تدریج پایه‌ریزی شود، بسیاری از پدران بر اساس تربیت کهنه به کودکان مجال سخن گفتن و اظهار نظر دادن نمی‌دهند و کودک هم چون موجودی ساکت و بی‌جان پرورش می‌یابد و حال آنکه تربیت نوین کودک را یک انسان کامل تلقی کرده به او حق می‌دهد که شخصیتش مورد احترام دیگران قرار گرفته به خود متکی بوده دارای رای نظر باشد، بدیهی است که کودکی که از اول خود را با شخصیت بداند و بتدریج مسئولیت‌هایی را بپذیرد زمینه های زندگی اجتماعی در او پرورش خواهد یافت چنین کودکی از رفتن به مدرسه ترس و وحشت نخواهد داشت، بزودی خود را با زندگی محیط مدرسه و سازگاری با شاگردان مدارس انطباق خواهد داد، برعکس کودکانی که همیشه زیر نظر مستقیم پدر و مادر رشد کرده هیچ نوع ابتکار و استقلال نداشته‌اند، هنگامی که بخواهند به مدرسه بروند مشکلات فراوانی را به وجود می‌آورند، برخی از آنها از مدرسه فرار می‌کنند و اگر با عواملی آنان را به محیط آموزشگاه به مدرسه بیاورند با شاگردان ناسازگاری نموده و به جنگ و جدال و قهر گریه متوسل خواهند شد. (رشیدیپور، ۱۳۷۰: ۷۳)

مبانی تعلیم و تربیت اجتماعی مبانی آموزش و پرورش را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته تقسیم کرد: مبانی علمی و مبانی فلسفی. مبانی علمی آموزش و پرورش با توجه به جنبه های زیستی، اجتماعی و روانی مورد تربیت مشخص می‌شود؛ و مبانی فلسفی آموزش و پرورش از ملاحظات اخلاقی و فلسفی مربوط به طبیعت آدمی و هدفهای و غایات تربیت افراد استنتاج می‌شود. از مبانی اصلی تعلیم و تربیت، تربیت اجتماعی یا علم الاجتماع می‌باشد؛ زیرا یکی از هدفهای اصلی تعلیم و تربیت تهیه مقدمات سازگاری مورد تربیت با شرایط محیط اجتماعی است؛ بنابراین، شناخت محیط اجتماعی و مقتضیات آن شرط لازم هر اقدام تربیتی است. تعلیم و تربیت در واقع کوششی برای آشنا ساختن فرد با اصولی است که به‌رهمندی از آن و رعایت یا کاربرد آن وی را به بخش مکمل گروه تبدیل می‌کند. مطالعه‌ی ساخت و واکنش اجتماعی نشان می‌دهد که:

۱. اجتماع انسانهایی که نظام تعلیماتی نداشته باشد وجود ندارد. در واقع هر اجتماعی با ورود بی‌وقفه افراد جوانش بدان، استمرار می‌یابد.

۲. افراد جامعه‌ی انسانی به کمک تعلیم و تربیت (اجتماعی) می‌توانند خود را به متعدی ظهور برسانند. ۳. شرکت در روابط اجتماعی و رعایت آداب و قوانین خاص اجتماع نیز ناشی از تعلیم و تربیت می‌باشد. ۴. تربیت اجتماعی سعی در حفظ ارزشها، ادبیات، هنر، آثار تاریخی و شناساندن آنها به جوانان دارد.

بدین ترتیب، تعلیم و تربیت خود به خود سعی می‌کند در عین حال که اجتماعی است فرهنگی شود. آشنایی با گذشته بوسیله تاریخ، آشنایی با ارزشهای فرهنگی و هنری از طریق علوم، ادبیات و هنرها و بالاخره آگاهی از تمدنهای مختلفی که از لحاظ زمان و مکان با هم فاصله دارند، ذهن را از دلبستگی‌های بی‌قید و شرط به جامعه و فرهنگی خاص رها می‌سازد. از این پس فرد طرفدار ارزش‌هایی است که مورد توافق همه جوامع است و به جامعه معینی تعلق ندارد. (شکوهی، ۱۳۶۹: ۶۴)

توجه به ارزشهای اجتماعی در مدارس چنانکه می‌دانیم مدرسه یک نهاد اجتماعی است بنابراین هدفهای تربیتی باید با توجه به نیازهای اجتماعی برنامه ریزی شوند. بعضی از مربیان تنها به نیازهای زندگی اجتماعی به‌عنوان تنها هدفهای تربیتی توجه می‌کنند و بیشتر فعالیت‌های آموزشی و پرورشی را متوجه این گونه امور می‌سازند. امور اجتماعی که در بیش‌تر جوامع مورد توجه مربیان واقع می‌شوند عبارت انداز:

-محافظت و مراقبت از زندگی، دارایی و منابع طبیعی جامعه. -تولید کالا و خدمات مفید و توزیع آنها در جامعه.
-مصرف کالاها و استفاده از خدمات.

-انتقال کالا و خدمات از محلی به محل مورد نیاز جامعه -تهیه وسایل تفریح و سرگرمی مردم.

-توسعه فعالیت‌های هنری و اجتماعی - فرهنگی. -ترویج عقاید دینی.

-توسعه تعلیم و تربیت مردمی در جامعه. -توسعه همکاری و رقابت سالم میان افراد جامعه.

-اجرای روش علمی در کلیه شئون زندگی اجتماعی.

از این دیدگاه یکی از هدفهای عمده تعلیم و تربیت، توسعه و پیشرفت فرهنگ علمی و ارزشی جامعه است، بنابراین باید در تنظیم برنامه‌های تربیتی درک و ارزشسنجی میراث فرهنگی-اجتماعی و توسعه آن مورد توجه مریبان باشد. هدف های تربیتی باید متناسب با وظایف اجتماعی توسعه نهادهای تربیتی برنامه‌ریزی و اجرا شوند. لذا به دانش‌آموزان برای سازگاری اجتماعی، توسعه وحدت معنوی، رشد شخصیت اجتماعی و آماده کردن آنها برای تحصیلات، انتخاب شغل و حرفه باید کمک شود. توجه به جریانهای اجتماعی از قبیل همکاری، رقابت، توافق و تشابه در تنظیم هدفهای تربیتی ضروری است. آنهایی که می‌خواهند هدفهای تربیتی را تعیین کنند باید تنها مهارتهای اساسی را برای ادامه حیات اجتماعی مدنظر قرار دهند. رشد قوه بیان و درک عقاید دیگران و فهماندن عقاید خود به سایرین، آشنایی با روشهای حل مسئله، مهارتهای لازم جهت حفظ سلامت نفس و جسم برای خدمت به دیگران، مهارتهای اساسی در برخورد و ارتباط با سایر اقوام و ملل و مهارتهای ضروری برای شرکت در امور مدنی و اجتماعی باید در تعیین هدفهای تربیتی در نظر گرفته شوند. (نیک‌زاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۷) نقش و رسالت معلم در رشد و ارتقای فعالیت‌های تربیتی-اجتماعی توفیق یا شکست برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی نظام هر کشوری به عبارت دیگر مهم‌ترین وسیله رسیدن جامعه به غایات و هدف های آموزش‌پرورش، معلم دانا و تواناست. با توجه به این امر است که اهمیت کار و نقش معلم و تأثیر عمیق آن در عزت، ذلت، پیشرفت و انحطاط جامعه روشن می‌شود. در حقیقت رهبری نسل آینده هر جامعه بدست معلمان آن جامعه است.

تعلیم و تربیت نه تنها برای زندگی بلکه برای هستی است. بشر تنها با تعلیم و تربیت، آدم تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد نیست.

یکی از الگوهای تربیتی را می‌توان نقش شخصیت معلمان در رفتار دانش‌آموز دانست. امروز دیگر مدرسه تنها نقش انتقال معلومات و میراث فرهنگی را برعهده ندارد، بلکه تأثیرگذاری آن در رشد و پرورش کل شخصیت دانش‌آموز است. فرهنگ بدون انسانیت نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ پس مدرسه امید انسانیت است و معلم ستون پا برجای بشریت.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست. انبیا هم معلم بشر هستند، نقش بسیار حساس و مهمی است و مسئولیت بسیار زیادی دارد. نقش مهم، همان نقش تربیت است که «اخراج من الظلمات الی النور» است...خدای تبارک و تعالی این سمت را به خودش نسبت می‌دهد که خدای تبارک و تعالی، ولی مومنین است و آنها را از ظلمات اخراج می‌کند به سوی نور»

اسلام، مربی و معلم را در مرتبتی عظیم قرار داده است، چرا که با آموزش و تربیت صحیح پایه‌های پیشرفت و تکامل جامعه را می‌سازند و بیش از هر عاملی در شکل‌گیری اخلاق، روحیات، خلاقیت و نوآوری، شکوفایی اندیشه‌ها و راهنمایی و هدایت دانش‌آموزان به سوی راستی و درستی نقش دارد.

از نظر پروردگار عالم، کار معلم کار خداست و نقش او در جامعه نقش انبیا و اولیا است و ارزش و اهمیت تربیت توسط معلم تا بدانجاست که رسول خدا (ص) در کلامی به امامعلی می‌فرماید: «یا علی اگر یک فرد به وسیله تو و (به مدد الهی) طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد، پر ارزشتر و بهتر از آن است که مالک شتران سرخ موی فراوان باشی.» (سلجوقی، ۱۳۹۲: ۹۳)

نقش الگویی معلم پس از خانواده، مربیان و معلمان تأثیر را در تربیت کودکان دارند. کودکان در سنین پایین تحت تأثیر والدین خود هستند، اما وقتی وارد مدرسه می‌شوند از معلمان خود اثر می‌پذیرند. معلمان باید بدانند که افکار، رفتار و گفتار آنان سرمشق دانش‌آموزان است.

معلم بعد از پدر و مادر با نفوذترین افراد، در امر تربیت کودک و نوجوان است. دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزان دوره ابتدایی، شدیداً تحت تأثیر معلم خود قرار دارند و رفتار او را الگو قرار می‌دهند. معلم با روح و جان دانش‌آموز سروکار دارد

به همین جهت به‌عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. دانش‌آموزان همه اعمال و رفتار معلمان، مربیان و مدیر مدرسه را زیر نظر دارند و از طرز برخورد معلمان با یک‌دیگر و با مدیر و کارکنان و دانش‌آموزان درس می‌گیرند.

رفتار معلم الگوی بی‌زبان توانایی است که می‌تواند در شاگردان سخت مؤثر واقع شود. کم‌ترین لغزش معلم در عمل، از تیررس دید چشمان مراقب شاگردان دور و در امان نیست. خواجه عبدالله انصاری به همان قسم که دود را دلیل آتش خاک را بر اثر وزش باد می‌داند، شاگرد و همه کیفیات روحی و رفتاری او را اثر مستقیم شخصیت معلم می‌داند و می‌گوید: «دود از آتش نشان دهد خاک از باد که ظاهر از باطن شاگرد از استاد.»

قلب و روان کودک بسان صفحه کاغذ سفیدی است که در دست نقاشی چیره‌دست به نام معلم قرار می‌گیرد و هر نقشی که روی آن ترسیم شود، احتمالاً تا آخر عمر روی این صفحه باقی می‌ماند. معلم می‌تواند از طریق مدل و سرمشق قرار دادن خود و عملکرد مطلوب به رشد اجتماعی کودکان کمک نماید. امام‌جعفر صادق می‌فرماید: «مردم را به عمل خود به اسلام دعوت کنید نه به زبانتان.» هم‌چنین قرآن کریم می‌فرماید: «به درستی که پیامبر برای شما الگوی خوبی است برای کسی که امید به خدا و روز آخرت دارد و خداوند را بسیار یاد می‌کند.» (سلجوقی، ۱۳۹۲: ۹۶) در نظریه یادگیری اجتماعی بندورا گفته شده است که یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد. این یادگیری به شرح زیر صورت می‌پذیرد: وقتی که یادگیرنده یعنی مشاهده‌کننده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند که آن شخص برای انجام آن رفتار پاداش یا تقویت دریافت می‌نماید آن رفتار توسط فرد مشاهده‌کننده آموخته می‌شود به این نوع پاداش یا تقویت جانشینی (۱) می‌گویند. وقتی که معلم یکی از دانش‌آموزان کلاس را برای حل مسئله‌ای از یک راه تازه مورد تقویت قرار می‌دهد، دانش‌آموزان دیگر روش این دانش‌آموز را سرمشق قرار می‌دهند و می‌کوشند تا همان راه حل را در مسائل خود به کار بندند. علاوه بر تقویت جانشینی، در یادگیری از راه مشاهده تنبیه جانشینی (۲) هم مؤثر است. برای مثال اگر مامور راهنمایی و رانندگی راننده‌ای را به سبب سرعت زیاد در یک خیابان درون شهر جریمه کند، رانندگان دیگر که شاهد این جریان هستند، هنگام راندن اتومبیل خود در آن خیابان، آهسته‌تر خواهند راند. یا وقتی که معلم یکی از دانش‌آموزان را به سبب رفتار نامطلوبی که انجام داده است سرزنش می‌کند، دانش‌آموزان دیگر نیز از انجام آن رفتار دلسرد می‌شوند.

بنابراین، اگر رفتار الگو یا شخصی که سرمشق قرار می‌گیرد با تقویت یا تنبیه دنبال شود، این تقویت و تنبیه بر رفتار شخصی که آن رفتار را مورد مشاهده قرار می‌دهد نیز تأثیر می‌گذارد. اگر رفتار سرمشق با تقویت دنبال شود احتمال بروز آن رفتار از سوی مشاهده‌کننده افزایش می‌یابد، اگر رفتار سرمشق با تنبیه مواجه شود احتمال انجام آن رفتار از سوی مشاهده‌کننده کاهش می‌یابد. (سیف، ۱۳۹۲: ۱۷۵)

نقش الگو بودن معلم به دلیل ارتباط مستقیم و مداوم با فراگیران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ یعنی معلم توانمند می‌تواند با استفاده از خصایصی چون گشاده‌رویی، هم‌بازی شدن با دانش‌آموزان، احترام به آنها، داستان‌گویی، عدم سرزنش و تنبیه دانش‌آموزان و در نهایت با دادن تقویت‌کننده‌ی مثبت الگوی مؤثر برای آنها بود. ویژگی‌های معلم در رابطه با فعالیت‌های تربیتی-اجتماعی دانش‌آموزان یک معلم یا مربی در صورتی در پیش‌بینی و انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه، موفق خواهد شد که آموزش و کارآموزی لازم را در این مورد قبلاً دیده باشد. مربی برای انتخاب و تنظیم فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی به اطلاعات و مهارت‌های زیر نیاز دارد:

-دانش و توانایی برقراری ارتباط خوب و صحیح با کودکان، والدین و کارکنان مدرسه. -شناخت ویژگی‌های رشد طبیعی کودکان و نوجوانان.

-شناخت کامل برنامه درسی و تشخیص جنبه‌های ضعیف آن که باید به وسیله‌ی فعالیت‌های فوق‌برنامه جبران و ترمیم شوند. -آشنایی با فعالیت‌های تربیتی، اجتماعی سودمند برای انتخاب نوع فعالیت‌های فوق‌برنامه.

-آشنایی با روش‌های علمی اجرای فعالیت‌ها، در ارتباط با ویژگی‌های سنی، استعدادها، نیازها و رغبت‌های دانش‌آموزان یک دوره‌ی تحصیلی یا کلاس.

-آشنایی با روش‌های درست ارزشیابی، از فعالیت‌های فوق‌برنامه.

-آشنایی با چگونگی برانگیختن دانش‌آموزان به شرکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه.

-آشنایی با چگونگی ترغیب اولیای دانش‌آموزان و نهادهای اجتماعی به همکاری در انجام فعالیت‌های مورد نظر. -آشنایی با وسایل و امکانات لازم برای انجام دادن فعالیت‌های فوق‌برنامه، تهیه و کاربرد صحیح آنها. -شناخت زمان مناسب و چگونگی انجام دادن فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی.

-آشنایی با مسائل گروهی و چگونگی تشکیل گروه‌ها.

-توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در انتخاب و ارائه فعالیت‌ها.

-داشتن طرح و برنامه‌های تربیتی مناسب با زمان، مکان، ویژگی‌های دانش‌آموزان و نوع فعالیت‌ها. -نظارت و ارزشیابی مستمر از فعالیت‌های در حال اجرا.

-در پایان با توجه به تاکید یونسکو بر چهار ستون یادگیری معلم و مربی باید فعالیت‌های تربیتی-اجتماعی فراگیران خود را بر پایه یادگیری برای دانستن (فهمیدن)، یادگیری برای زیستن، یادگیری برای انجام دادن و یادگیری برای با هم زیستن را دائماً مدنظر داشته و آنها را عملیاتی و اجرایی نمایند. (سلجوقی، ۱۳۹۲: ۹۸)

موانع تربیت اجتماعی عنوان موانع تربیت به امور و پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که در تحقق اهداف فرایند تربیت تأثیر منفی دارند. البته این موانع ممکن است بیرونی یا درونی، در اختیار مربیان و یا خارج از اختیار آنان باشند و برخی آنها را می‌توان چنین برشمرد:

-دنیاطلبی و هوای نفس.

-حاکمیت رذایل اخلاقی نظیر لجاجت، تعصب، تکبر، غرور و خودرایی. -فقر اقتصادی و کمبود وسایل ضروری معاش.

-حکومت طاغوت (رهبران غیرالهی) و مشرکان و ظالمان برجامعه. -غلبه وسوسه شیطان، فکر و خیال باطل برفضای ذهن و اندیشه. - وجود شبهات فکری و عقیدتی.

-غفلت از یاد خدا.

- استفاده از غذا و اموال حرام - دسترسی (مطلق و بی حدو حصر) به وسایل ترویج فساد و فحشا.

- حضور (انفعالی) در محیط آلوده (سلجوقی، ۱۳۹۲: ۸۹). ارتباطات متقابل اجتماعی با دانش‌آموزان

معلم و دانش‌آموز بخش اعظم روز را در مدرسه و در ارتباط با یکدیگر می‌گذرانند. توانایی معلم در ایجاد ارتباط با شاگردان - ارتباطی مثبت و همراه با همدلی - نقش مهمی در ایجاد محیط یادگیری مثبت و ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند.

معلم مؤثر برای برقراری ارتباط با شاگردان خود از راهکارهای متفاوتی استفاده می‌کند. این ارتباطات فراتر از چهاردیواری کلاس است. در واقع دانش‌آموزان اظهار می‌کنند که معلمان مؤثر به زندگی خارج از کلاس درس دانش‌آموزانشان علاقه نشان می‌دهند. دانش‌آموزان برای معلمان که در مسابقات ورزشی، کنسرت‌های موسیقی و دیگر برنامه‌های آنها حضور می‌یابند، ارزش قابل‌هستند. ارتباطات متقابل اجتماعی بین معلم و شاگرد نه تنها موجب یادگیری و پیشرفت تحصیلی شاگردان می‌شود، بلکه با ایجاد احساس تعلق به کلاس و مدرسه، باعث افزایش عزت‌نفس در آنها می‌شود.

جنبه‌هایی از ارتباط متقابل اجتماعی که در آموزش مؤثر باید رعایت شود عبارتند از:

- معلمین مؤثر ضمن حفظ رابطه مناسب معلم شاگردی، همواره با تک‌تک دانش‌آموزان برخوردی صمیمانه دارند. - معلمین مؤثر به جای این که در مقابل و یا برای دانش‌آموزان کار کنند همراه آنان کار می‌کنند.

- ارتباطات متقابل مفید مستلزم مسوولیت دادن به دانش‌آموزان و حفظ احترام آنهاست. برای ایجاد چنین ارتباطی در دوره‌های متوسطه، لازم است که با دانش‌آموزان چون بزرگسالان رفتار شود.

- معلمین مؤثر به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند.

- دانش‌آموزان معتقدند که معلمان مؤثر وقت بیشتری را صرف ارتباط متقابل و کار مستقیم با آنان می‌کنند.

- معلمین مؤثر شوخ طبع‌اند. به لطفه‌گویی تمایل دارند. آنان برای بازی و شرکت در فعالیت‌های مشترک با

دانش‌آموزانشان پیش‌قدم می‌شوند. (بیگم‌حائری‌زاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۰)

نتیجه‌گیری

با توجه به این که تربیت اجتماعی مهم است معلم در اجتماعی کردن دانش‌آموزان نقش اساسی دارد و با استفاده از روشهایی که به بیان می‌شود می‌تواند در اجتماعی کردن دانش‌آموزان تأثیر به‌سزایی داشته باشد. چالش‌های پیش روی گستر تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در آموزش، انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات و به هم پیوستگی جامعه جهانی، نگاه و نیاز به آموزش عالی را با چالش‌های جدید مواجه ساخته است. در این راستا بر نیاز به تربیت اجتماعی در محیط‌های آموزش عالی تأکید می‌شود. فعالیت‌های پرورشی و اجتماعی در مدارس در کنار فعالیت‌های رسمی مدارس فرصت‌هایی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا با استفاده از آنها، به رشد علایق، استعدادها و توانمندی‌های خود بپردازند و خود را برای یک زندگی شایسته شغلی و اجتماعی

آماده سازند یکی از ویژگی‌های فعالیت‌های پرورشی و اجتماعی این است که در انجام دادن آنها اجباری وجود ندارد و دانش‌آموزان با میل و رغبت به انتخاب آنها می‌پردازند و به رضایت خاطر می‌رسند. در این پژوهش فعالیت‌هایی مورد نظر است که با تشویق دانش‌آموزان به کار گروهی، کار انفرادی، شرکت در خدمات اجتماعی و... آنان را به استعدادها و ارزشهای خود واقف سازد. لذا در راستای تحقق تربیت اجتماعی دانش‌آموزان می‌توان پیشنهادات زیر را مطرح نمود:

- آشنایی معلمان و مربیان با انواع فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی در مدارس؛ - آشنایی با ویژگی‌ها، اهداف و ارزشهای فعالیت‌های اجتماعی و تربیتی با ابعاد مختلف در مدارس؛

- مقایسه فعالیت‌های فوق‌برنامه با با فعالیت‌های رسمی در مدارس و ارائه فعالیت مؤثر به دانش‌آموزان؛

- نقد و بررسی فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی در مدارس؛

- بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم در پرتو نظام معیار اسلامی توسط معلمان؛ - تهیه امکانات تفریحی سالم برای دانش‌آموزان؛

- برقراری روابط سود بخش و مفید بین معلم و دانش‌آموزان؛

- تکمیل و غنی‌سازی برنامه تحصیلی دانش‌آموزان؛ - تقویت قدرت تفکر دانش‌آموزان در مدرسه؛

- فراهم کردن فرصت‌های اظهار نظر کردن و حرف زدن دانش‌آموزان در مدرسه؛

منابع

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش افخمی‌اردکانی، علی محمد (۱۳۹۰)، تبیین روشهای تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه، نشریه‌النهج، شماره ۲۱ و ۲۲

بیگم‌حائری‌زاده، خیریه، محمدحسین، لیلی (۱۳۸۶)، ویژگی‌های معلم مؤثر، تهران، نشر قطره، چاپ چهارم. رشیدپور، مجید (۱۳۷۰)، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، تهران، نشر کعبه، چاپ سوم.

سلجوقی، محمد (۱۳۹۲)، فعالیت‌های تربیتی-اجتماعی و فوق‌برنامه، کرمان، نشر خدمات فرهنگی کرمان، چاپ اول. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران، نشر دوران، چاپ دوم. ساعی‌ارسی، ایرج (۱۳۸۸)، آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی)، تهران، نشر بهمن برنا، چاپ اول.

نیک‌زاد، محمود (۱۳۸۵)، اصول کاربردی نظریه‌های تربیتی، تهران، نشر پشوتن، دوم.